

# شهر

روزنامه فرهنگی-اجتماعی - اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیر مسئول: سعید موثم موسس: مهر سردبیر: سعید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ شماره تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ وبسایت: Mashhadchehreh.ir Photoshahr.ir

سایت شهر آرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

مشاقنامه اخلاق حرفه‌ای

دمای مشهد ۲۹٪

۱۱° ↓ ۲۲°

صبح ۱۲ ظهر ۲ عصر ۱۹ شب ۱۶

اذان ظهر ۱۱:۲۲:۰۱ نیمه شب شرعی ۲۲:۳۹:۵۸ غروب آفتاب ۱۷:۱۹:۱۹ اذان صبح فردا ۰۴:۰۱:۲۹ اذان مغرب ۱۷:۳۷:۳۳ طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۵:۳۱

اوقات شرعی مشهد

کارتون شهر

رضا جنگی در حاشیه آغاز سال تحصیلی

استوری گرام

## حکایت ناتمام مهندس و مرد داخل بالن

هستید. مرد داخل بالن گفت: شما مهندس هستید؟ مرد روی زمین گفت: معلوم است؟ مرد داخل بالن گفت: بلی. مرد روی زمین گفت: از کجا معلوم است؟ مرد داخل بالن گفت: از اینجا معلوم است که اطلاعات دقیقی دارید که دو پنی (معادل دوزار) هم ارزش ندارد و به هیچ دردی نمی خورد. چرا که من بالاخره نفهمیدم کجا هستم و آیا به قرار می رسم یا نمی رسم. مهندس گفت: تصور نمی کنید درج این جمله شما در روزنامه ممکن است موجبات رنجش خاطر قشر شریف مهندسان را فراهم آورد؟ مرد داخل بالن گفت: نه خیر. مهندسان با جنبه اند. مثل پزشکان و... نیستند. مهندس گفت: به نظر می رسد شما مدیر باشید. مرد داخل بالن گفت: معلوم است؟ مهندس گفت: بلی. مرد داخل بالن گفت: از کجا معلوم است؟ مهندس گفت: از اینجا معلوم است که می دانید کجا می خواهید بروید. اما نمی دانید کجا هستید و از اینجا معلوم است که یک قوی داده اید که نمی توانید به آن عمل کنید و تازه گردن بقیه هم می اندازید و از اینجا معلوم است که نسبت به رنجش اقشار مختلف بی تفاوتید. در این لحظه مرد داخل بالن شیر گاز بالن را تا آخر باز و بالن را به سمت بالا هدایت کرد و در نهایت معلوم نشد که چی شد.

## زندگی با مرگ، شرح غیرت ققنوس هاست\*

یادی از امیرمحمد زارع، نیروی فداکار آتش نشانی مشهد به بهانه روز آتش نشانی و ایمنی که در تیر سال ۱۳۹۹ به شهادت رسید

با اندک تامل به ظاهر پست امن و بی خطری به نظر می رسد. سر و کارش با تجهیزات فنی خودروست. کاری به دل حادثه ندارد. این طوری خیال همسرش هم راحت می شود. همان رانندگی است حالا با کمی سرعت بیشتر. پایین تر فهرست آمده است، «شرکت در عملیات امداد و نجات یا اطفای حریق با توجه به تقسیم کار و مطابق دستورات مافوق یا رعایت نظم و سرعت و مهارت / شرکت در کلاس های آموزشی ضمن خدمت به منظور بالا بردن اطلاعات فنی. حرفه ای و غیره / انجام تمام اموریه که در حدود وظایف از طرف مافوق ارجاع می شود...»

آن هم نگرانی ندارد. حالا چطور بشود توی مأموریتی پای اننده هم به دل ماجرا باز شود! خدا بزرگ است...

ماد آدم های دیگر را نجات دهد. حالا شرح وظایف راننده آتش نشانی را مرور می کند: «اطمینان از آمادگی فنی وسایل و تجهیزات و سلامت کامل خودروهای آتش نشانی و هدایت آن ها به محل حریق یا حادثه/ به کار انداختن وسایل و تجهیزات موتوری از قبیل پمپ ها. کف سازها. پودرپاش ها. مانپورها و دیگر ابزار و تجهیزات/ اقدام فوری در جهت رفع نواقص جزئی وسایل و تجهیزات تحت نظر. اطمینان از وجود نظم و نظافت کامل وسایل و تجهیزات و خودرو تحویلی.» این طور که پیداست آن کامیون قرمز رنگ توی ایستگاه های آتش نشانی قرار است خوش رکاب خیابان های حادثه برای امیرمحمد



### بابا قهرمان است

فاطمه. همین طور که نشسته و نیایش یک ساله اش را روی پاتکان می دهد تا بخوابد. به نفیسه دوازده ساله اش نگاه می کند. جقدر پیراهن مشکی به او نمی آید. امیرمحمد هم دوست نداشت. می گفت آدم غصه اش می گیرد. این همه رنگ شاد. چرا مشکی. از چهل هم گذشته. اما سیاه از تنش نمی کند. توی اوج نوجوانی است. لجباز و دل تنگ و درمانده. پدر خوش قد و بالای غیورش را توی یک چشم برهم زدن از دست داده. نمی تواند با بیعت حادثه کنار بیاید. انگار همان امیرمحمد ده ساله است که حالا در قامت دختری تیمم. بار دیگر در غم فقدان پدر. عزادار شده است. فاطمه رو پرمی گرداند و محمد جواد

## یک سفر؛ حاشیه، متن و فرامتن!

به اما و اگرهایی پرداختند که از طول سفر بیشتر بود از جمله درباره تعداد همراهمان رئیس جمهور در سفر به نیویورک. با آمارهای متفاوت. یادمان هست، در باره کاروان همراهان رؤسای جمهور پیشین هم همین حرف و حدیث ها بود. آنچه میان این بازی اعداد مغفول می ماند میزان اثرگذاری افراد به سفر رفته است. این خیلی، خیلی مهم تر از تعداد افراد است. ما می گوئیم چیزی را بگو که بتوانی بنویسی. چیزی را بنویس که بتوانی امضا کنی. چیزی را امضا کن که بتوانی عمل کنی. حالا هم می گوئیم این بار که گذشت، اما همیشه باید کسانی را به سفر برد که مؤثر باشند. آثارشان سازنده باشد. سازندگی شان در سامان یافتن زندگی مردم نمود عینی داشته باشد. نمودی که رئیس جمهور بتواند با ساینه سپرو سر بالا مسئولیت آن را به عهده بگیرد. اینکه آیا در سفرهای سابق به این مهم توجه شده است و یا در سفر اخیر می توان چنین بر آوردی داشت؟ مسئله ای است که باید کارنامه ای به آن توجه کرد. اگر حافظه های ما، سفر به سفر، صفر نشده باشد می توانیم به رؤسای جمهور از گذشته تا امروز و هیئت های همراهمان، نمره دهیم و برایشان کارنامه رقم بز نیم. وجدان عمو می هم تا کنون در باره آن قضاوت کرده و خواهد کرد. امیدواریم هیچ کس در برابر این قضاوت عمومی، روزهو نشود. به هر حال، این آخرین سفر نبود و باز هم در پیش خواهد بود از

عاشقی که از او وجود بی جان می زیست..... این عشق چنین لطیف و شیرین از چیست اندر تن ماست یا برون از تن ماست..... در نظر شمس حق تبریز نیست

چکامه

مولا. دیوان شمس رباعیات (امروز ۷ مهر مصادف است با روز بزرگداشت شمس تبریزی)

## عکس روز

### قهرمان های شهر من

هم زمان با هفتم مهر، روز آتش نشانی و ایمنی، مراسم رژه ناوگان آتش نشانی شهرداری مشهد در کوه پارک با حضور مسئولان و مدیران شهری و مردم منطقه برگزار شد. روی پلاکاردهای مراسم از آتش نشانیان به عنوان قهرمان های شهر یاد شده بود و این عبارت «آتش نشانی شغل نیست، عشق است»

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

عکس: میلاد سمگانی / شهر آرا